

معمار محبت

روایات و خاطراتی از زندگی سردار شهید
حسن شاطری (مهندس حسام خوشنویس)



وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان اصلی: روایات و خاطراتی از زندگی سردار شهید حسن شاطری (مهندس حسام خوشنویس).
موضوع: شاطری، حسن، ۱۳۴۱-۱۳۹۱.
موضوع: شهیدان — بازماندگان — خاطرات
شناسه افزوده: سمائی، زهرا، ۱۳۵۹- مترجم
شناسه افزوده: مرکز یاد انقلاب اسلامی، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات
رده بندی کنگره: ۴۱۰۰۹۴ / ۱۷۳۱۷۳ ش/ DSR۱۶۲۶
رده بندی دیویی: ۹۲: ۸۵۸.۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۱۷/ ۴۱۰۰۹۱۷

عنوان: معمار محبت: روایات و خاطراتی از زندگی سردار حسین شایطری
(مهندس حسام خوشنویس)

شمارگان: ۲۵۰۰ قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

ISBN :978-600-94822-0-7

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفون: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

... از فداکاری‌های عظیم برادر مهندس حسام خوشنویس در خدمت به مقاومت، مردم آن و همه‌ی لبنان پس از تجاوز اسرائیل در سال ۲۰۰۶ م قدردانی می‌کنیم. حضور سریع و توانایی‌های برجسته‌ی او در اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی دارای اثراتی پسندیده بود. و یکبار دیگر حضور صادقانه و عاشقانه‌ی جمهوری اسلامی ایران را در کنار مردم مقاوم لبنان به تصویر کشید و ثابت کرد که وفاداری به فداکاری‌ها و پاسداری از پیروزی‌ها نیاز به همت و روحیه‌ای عظیم و همت و روحیه‌ی حاج حسام دارد. کسی که فعالیت‌هایش به نشان شهادت مزین شد تا شهادی باشد بر اخلاص و حضورش در مسیر سیدالشهداء (ع). با بسم‌های ایشان همانند دیگر دستاوردها و روحیاتش که برای‌مان نمودی انشعش، صداقت و مقاومت بود، افتخار می‌کنیم.*

فهرست

۷	تقدیم نامه
۱۰	مقدمه
۱۴	زندگینامه شهید در چند سطر
۱۷	سر آغاز
۱۹	انقلاب و امام
۲۱	در جنگ تحمیلی
۲۵	این همان چیزی است که خواهیم خورد
۲۷	کوزه های سنگین
۲۹	خود کفای
۳۱	با نگرانی منتظرش بودم
۳۳	از مادربزرگ پول می گیری
۳۵	اولین و آخرین
۴۱	ترکم کن، این میرد و بار است
۴۷	روزی منحصر بفرد
۴۹	جام خاطره
۵۱	مکان هایی مقدس
۵۳	بازداشتی مبارک
۵۷	بوستان حضرت معصومه (سلام الله علیها)
۶۱	نماز و وعده
۶۳	این لطف من نسبت به تو خواهد بود
۶۵	روز اول
۶۷	چای ایرانی
۶۹	برکت زمان و مکان
۷۱	دروازه های به سوی قلب
۷۳	اعتبار ایران
۷۷	حشره های بیش نبود
۷۹	چیزی جز عشق نبود
۸۳	پیوند زمین به آسمان
۸۵	پارک عیترون
۸۷	بچه ها مقاومت را بازی می کنند
۹۱	سهمی برای بزرگ ترها
۹۳	گردشی معنادار
۹۵	می توانی ایلات را هم ببینی
۹۷	آرزوهایی که تحقق نیافت
۹۹	مسیر فلسطین
۱۰۱	خدمتگزار حجاج
۱۰۳	شرکت خواهیم کرد
۱۰۵	هنر محبت
۱۰۷	خانواده شهدا
۱۰۹	کبوتر

۱۱۱	از دوری او شکایت می‌کرد
۱۱۳	دو بار تاج سر من هستی
۱۱۵	دعا
۱۱۷	پرچم‌ها را بالا ببرید
۱۱۹	زبانی دشوار
۱۲۱	او کجاست؟!
۱۲۳	او با من رفیق است
۱۲۵	آرامگاه‌های مقدس
۱۲۷	افسون تواضع
۱۲۹	کارگر فرودگاه و پیشخدمت رستوران
۱۳۱	پدري بی‌نظير
۱۳۵	رابطه با پدر
۱۳۷	سوءاستفاده از موقعیت
۱۳۹	تا خجالت نکش
۱۴۱	او از آنان بر
۱۴۳	گفتم فقط یکی
۱۴۵	بهترین... بیشترین... سریع‌ترین
۱۴۷	تصاویری که از ذهن پاک نمی‌شوند
۱۴۹	نقطه‌ی مرزی حضرت فاطمه، زهرا (سلاّمه علیها)
۱۵۱	چهره‌ای دیگر
۱۵۳	اینجا مکان مقدسی است
۱۵۵	جای او اینجا نبود
۱۵۹	راز آن وابستگی عجیب
۱۶۳	مفهوم رحمت
۱۶۵	پول چای
۱۶۷	از اینجا عبور خواهند کرد
۱۶۹	شارژ اضافی
۱۷۱	به حال خود می‌گیریم
۱۷۳	شکایت‌های او در دفتری دیگر چاپ خواهد شد
۱۷۷	همسر، پسر و لبنان
۱۸۱	عمل جراحی
۱۸۵	وقتی شیر پیر می‌شود
۱۸۷	ترور انسانیت
۱۸۹	جنبه‌های قانونی
۱۹۱	مردی طمع‌کار
۱۹۳	برنامه‌ای کامل
۱۹۵	اگر وزیر بود
۱۹۹	گفته‌هایی درباره‌ی شهید
۲۱۱	مقالات روزنامه‌ها
۲۳۹	آلبوم تصاویر

مقدمه

مهندس حسام خوشنویس

شهید آبادانی، عشق به لبنان و مقاومت.

شهید مهندس حسام خوشنویس (ره) از بدو ورودش به خاک لبنان، پس از شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه و بازگشت اهالی لبنان به شهرها و روستاهایشان که ارتش صهیونیست، تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌ها و سازمان‌های آن‌ها را به کلی ویران ساخته بود، با مردم این سرزمین همراه بود و با آنان زندگی کرد.

پس از توقف جنگ، هیئتی از جمهوری اسلامی ایران به ریاست معاون رئیس‌جمهور از لبنان بازدید به عمل آورد و آمادگی ایران را برای همکاری در بازسازی لبنان اعلام کرد. با توجه به تجربه‌ی دیرین مهندس حسام در امر بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ در ایران و افغانستان، وی به‌عنوان رئیس تیم بازسازی لبنان انتخاب شد. من در آن رفته به‌عنوان نماینده‌ی حزب‌الله در امر بازسازی و برادر مهندس سعید ناصرالدین به‌عنوان نماینده‌ی جنبش أمل در کنار مهندس حسام در اداره و اجرای پروژه‌های مختلف که نیز به اطلاعات کافی و تلاشی استثنایی و بی‌وقفه داشت، مشغول به کار شدیم و برای سرعت‌بخشیدن به کار، فعالیت‌مان را از دفتری در سفارت ایران که به امر بازسازی اختصاص یافته‌بود، شروع کردیم تا اینکه دفتر مستقلی گرفتیم و بالاخره ساختمان جدید بازسازی شامل مهندسین، معاونین و کارشناسان امور مرمت ساختمان، کادر اداری و خدمات شکل گرفت.

در ابتدا، کارمان را با بازدید از مناطق و روستاهای واقع در منطقه‌ی ضاحیه، جنوب و بقاع آغاز کردیم. شدت خسارات وارده بر راه‌ها، پل‌ها، اماکن مذهبی از جمله مساجد و کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها و ... باورکردنی نبود.

اولین کاری که به‌سرعت و با همکاری اهالی منطقه و روستا انجام شد، تهیه‌ی آمارهای اولیه از میزان خسارات بود. بررسی‌ها به‌سرعت انجام و نقشه‌ها ترسیم شد. با پیمانکاران در مناطق مختلف تماس گرفته شد و قراردادهای برای شروع کار بازسازی، ترمیم و ساخت مناطق آسیب‌دیده بدون فوت وقت امضا گردید. به این ترتیب دایره‌ی فعالیت تیم بازسازی هرچه بیشتر افزایش یافت به‌طوری‌که طی شش سال و نیم خدمات برجسته و عظیمی را در همه‌ی مناطق کشور به انجام رساند. دستاوردهای این تیم بالغ بر ۱۷۳۲۸ طرح پیشرفته و پراکنده، شامل ساخت راه‌ها، پل‌ها، اماکن مذهبی و دیگر طرح‌ها و برنامه‌های متوسط و کوچک در سراسر کشور بود.

سخن از اقدامات مهندس حسام در طی سال‌های حضورش در لبنان حدیثی طولانی و نیازمند کتاب‌ها و صفحاتی بسیار است تا حق مطلب ادا شود. اما او به واسطهٔ شهادتش بر گردن ما به‌عنوان شاهدانی که در این سال‌ها وی را درک کردیم و همراهش بودیم، حقی دارد که ناچاریم در حد بضاعت خود آن را ادا کنیم. شهید حسام با حضور در کشور لبنان تلاش‌ها و اقدامات برجسته و بخشش‌های دلسوزانه‌اش را در دوران بازسازی این کشور به ثبت رساند، به‌طوری‌که سخن گفتن از دوران بازسازی و بازگشت آبادانی به لبنان پس از جنگ ۳۳ روزه بدون ذکر نام مهندس حسام و هیئت ایرانی به‌عنوان اولین و بزرگترین هیئت حاضر ممکن نیست. همه‌ی این‌ها یادآور نام آنان در اذهان مردم لبنان، مسئولان و فعالان عرصه‌ی جنبش بازسازی لبنان از مناطق جنوبی تا بقاع و ضاحیه در جنوب بیروت است.

حضور مهندس حسام در کشور لبنان از سه جنبه دارای ویژگی‌های خاص است:

اول: تعهد عالی و دانش، صبر، ایثار، صداقت و اخلاص در عمل

با آنکه تقریباً سه روز زمان انجام کارها و امورات در کنارش بودیم و او را همراهی می‌کردیم، اما در هر چه در دفتر کار و چه در محل انجام پروژه‌ها از ما جلوتر بود. از اولین ساعات روز تا آخرین ساعات شب کار می‌کرد. سعی داشت تا قبل از کارگران و پیمانکاران در کارگاه حاضر شود، داشته‌باشد. صبح زود از بیروت به‌طرف هرمل حرکت می‌کردیم تا رأس ساعت هفت صبح، یعنی زمان شروع کار کارگرانی که در حال ساخت پل تخریب‌شده‌ای بودند که هرمل را به دیگر مناطق بقاع متصل می‌کرد، در آنجا حضور داشته باشیم همیشه به پیمانکاران و کارگران تأکید می‌کرد تا ساعات پایانی شب کار کنند تا به این ترتیب کارها هرچه سریع‌تر برای تأمین رفاه مردم پیش‌رود.

واقعاً عاشق کار در میدان عمل بود و نه عاشق پشت میز نشینی. در همه‌ی مناطق جنوبی، ضاحیه و در هر جای دیگری این روش کار او بود روز تعطیل نداشت؛ نه جمعه و نه یکشنبه، همه‌ی روزها، روز کاری بود. گویی نشستن را به سرحالت کردن او را خسته می‌کرد. زندگی او با تلاش و ازخودگذشتگی مستمر عجین شده‌بود. به‌طوری‌که در بسیاری مواقع تنها در یک‌روز، از دورترین مناطق جنوب در صور یا بنت‌جلیل به بعلبک و یا هرمل سفر می‌کرد تا از چگونگی پیشرفت طرح‌ها در همه‌جای کشور مطلع شود.

دوم: آمیختگی حضورش در لبنان با عشق او به این کشور و به‌ویژه مردمان مقاوم و پایدارش

با عشق کار می‌کرد و عاشقانه به ملت قهرمان لبنان که اسرائیل را شکست و

به جهانیان درس عزت، کرامت، مقاومت و نشاط داده بودند افتخار می‌کرد. از این‌رو همواره می‌گفت: «ما از جمهوری اسلامی ایران آمده‌ایم تا به این ملت مقاوم قهرمان و عزیز خدمت کنیم».

از خدمت‌رسانی به مردم لبنان احساس رضایت می‌کرد و به همین خاطر در همه‌ی مناطق و روستاهایی که وی سهمی در بازسازی بناها یا مرمت راه‌ها، مدرسه‌ها، مساجد، کلیساها و یا بوستان‌هایشان داشت، مردم او را دوست داشتند. متواضع، بی‌ریا و سرشار از صداقت و پاکی بود. به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد و توجهی خاص به افراد سالمند، نیازمند و بی‌بضاعت داشت. در مقابل خانواده‌های شهدا که آنان را مایهٔ افتخار خود می‌دانست خم می‌شد و دستانشان را می‌بوسید. درخواست هیچ‌کسی را رد نمی‌کرد به‌گونه‌ای که در مواقع بسیاری با وعده‌هایش که نشانه‌ی عشق و علاقه‌ی او برای خدمت به این مردم شریف بود، ما را با وجود بودجه‌ی محدودمان، نیازهای روبه‌رشد و ریشه‌دار و زیاد مردم، در تنگنا قرار می‌داد، زیرا بودجه‌ی بسیاری کفاف همه‌ی خواسته‌های آنان را نمی‌داد.

سوم: آمیختگی دوران حضورش با مراعات مدرن‌ترین ویژگی‌های هنری و در اجرای پروژه‌های تیم ایران، مخصوص در پروژه‌های زیرساختی که مدرن‌ترین دستگاه‌ها و ابزارآلات، کارخانه‌ها، اسفالت و بتن‌سازی از آلمان و سوئیس برای آنها وارد کرد، پیشرفته‌ترین روش‌ها را به کار بست و همچنین از دفتری اتریشی که صاحب تجربه‌ی جهانی در امر راه‌سازی بود، جهت نظارت بر کارها کمک گرفت به‌طوری‌که امروزه لبنانی‌ها به صراحت از استحکام و ممتازبودن راه‌ها و طرح‌هایی که تیم ایرانی در لبنان به انجام رساند سخن می‌گویند و اقدامات آنان را در انجام پروژه‌ها، متمایز از پروژه‌های دیگر با شکر می‌آورند.

نحوه‌ی عملکرد هیئت ایرانی ترغیبی بود برای همه‌ی گروه‌های کمک‌رسان و مؤسسات لبنانی که در این عرصه پا جای پای تیم ایرانی ندارند و پروژه‌های مستحکم‌تر و ماندگارتری را به انجام رسانند تا برای سال‌ها، بستری در خدمت مردم و در جهت سوددهی بیشتر به آنان باشد و وطنمان لبنان هرچه زیباتر شود. مهندس عزیز ما و یار دوران جنگ‌زدگی به شهادت رسید. دورانی که به آن عشق می‌ورزید و همه‌ی هستی‌اش را به آن دوران عطا کرد. او شهید شد اما هرگز از میان ما نرفت، نه فقط از آن روی که در اذهان و قلوب مردم لبنان باقی‌ماند بلکه از آن‌رو که خود نیز به ماندن و خدمت در لبنان تمایل داشت.

در آخرین دیدار و قبل از آخرین سفر، ما را که توقع بازگشت او و شروع مجدد کار را در کنارش داشتیم، جمع کرد و به من گفت: «می‌دانم که بخش زیادی از پروژه‌ها و برنامه‌ها را به اتمام رساندیم و قسمت اندکی از آن باقی مانده است، اما

من این سرزمین، مردم مهربان، مقاومت و قهرمانانش را دوست دارم و آرزو می‌کنم تا با برنامه‌های جدیدی در این‌جا مشغول شویم و در کنار ملت خوب و مهربان آن باقی بمانیم».

شهید عزیزم، درجه‌ی شهادت گوارای وجودت باد. همان شهادتی که همواره آن را طلب می‌کردی و با شوق آرزویش را داشتی. هر زمان که به پدران و مادران و خانواده‌های شهدا می‌نگریستی آن اشتیاق را در چشمانت می‌دیدم. تو گرانبهارترین دوران عمرت را در لبنان گذراندی و زندگی‌ات را برای آن تقدیم کردی و در راه خدمت به مردم و مقاومت آن و در راه رسیدن به فلسطین که همواره در قلب و ذهن‌ت جاری بود، به لبنان آمدی. تو در راه لبنان و فلسطین و عشق به آنجا و مردمانشان به شهادت رسیدی..

برترین تکیه‌ما را به خانواده‌ی مجاهد تو و به همه‌ی قهرمانان حاضر در هیئت بازسازی ایرانی و به هر کسی که تو را می‌شناخت و به تو عشق می‌ورزید و به همه‌ی ملت لبنان و به تمام معظم رهبری و ملت ایران تقدیم می‌کنیم و ای شهید عزیز و سرآمد در این راه و شهادت، به تو افتخار می‌کنیم.

مهندس حاج حسن حجازی

مسئول واحد، شانل آزاد حزب‌الله و نماینده‌ی حزب‌الله برای

همکاری با هیئت اعزامی ایران برای بازسازی لبنان

"زندگینامه‌ی شهید در چند سطر"

• شهید حسن شاطری با نام مستعار (حسام خوشنویس) در تیرماه ۱۳۴۱ در شهر سمنان به دنیا آمد، او اولین فرزند از شش فرزند خانواده‌اش بود.

• دوران تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در شهر سمنان گذراند.

• خیلی زود با وجود سن کم به صفوف انقلابیون پیوست و به یکی از مهم‌ترین عناصر فعال انقلاب در زمینه هدایت راهپیمایی‌ها و دیگر فعالیت‌های ضد رژیم پهلوی تبدیل شد.

• پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هنگامی که امام‌خیمینی (قدس سره) فرمان تشکیل جهاد سازدگ را صادر کرد، شهید حسام از جمله اولین داوطلبان و فعالان این عرصه بود؛ شهید حسام در امر کشاورزی و احداث بنا در زیر آفتاب سوزان کار می‌کرد و در ایام ماه مبارک رمضان به مدت ۱۸ ساعت در روز مشغول بود.

• با آغاز جنگ تحمیلی از سوء مشرب صدام حسین که با همکاری استکبار جهانی علیه جمهوری نوپای ایران به وقوع پیوست، داوطلبانه به عضویت بسیج مستضعفین درآمد.

• اولین مسئولیت‌هایش را در منطقه‌ی «کله قندی» واقع در جنوب ایران به عنوان راهنما آغاز کرد. سپس به شهر «سردشت» در استان آذربایجان واقع در غرب ایران منتقل شد و از اولین اعضای سپاه پاسداران آن منطقه بود.

• درحالی‌که سنش بیش از ۲۰ سال نبود، مسئولیت‌های متعددی را برعهده داشت. مسئولیت مخابرات، پشتیبانی و لجستیک و سپس هدایت عملیات و رهبری یکی از مناطق جنگی که از مهم‌ترین محورهای جنگ به حساب می‌آمد و شاهد شدیدترین و سخت‌ترین درگیری‌ها بود.

• در سال ۱۳۶۱ با خانم معصومه مرادی، تنها دختر خانواده‌ی مرادی ازدواج کرد؛ همسری که بهترین یاور و پشتیبان او بود و در طول هشت سال جنگ و دیگر مراحل زندگی سراسر جهاد و مبارزه‌ی شهید در کنارش قرار داشت و از او صاحب ۴ فرزند شد.

• پس از ۸ سال دوری از دانشگاه به واسطه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، برای ادامه‌ی تحصیل وارد دانشگاه شد و در رشته‌ی مهندسی عمران فارغ‌التحصیل گردید. سپس موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شد و در همان زمان فرماندهی تیپ ۴۰ صاحب‌الزمان (عج) و تیپ ۵۳ ارومیه را به‌منظور اجرای پروژه‌های مهندسی و عمرانی در داخل ایران برعهده داشت. از جمله این مسئولیت‌ها مدیریت پروژه‌ی «سد سیرجان» در استان کرمان، پروژه‌ی اصلاح اراضی کشاورزی و زهکشی «دشت زنگنه» و پروژه‌ی هدایت آب از دشت اصفهان به یزد با فاصله‌ی حدود ۳۰۰ کیلومتر بود.

• به‌عنوان مسئول اجرایی لشکر «سیدالشهداء» و لشکر «خاتم‌الانبیاء» معروف به نیروی قدس انجام وظیفه کرد.

• طی چندین مأموریت برای همکاری در بازسازی به خارج از ایران سفر کرد. او مسئول ساخت مسیر بین‌المللی میان ایران و افغانستان به‌طول ۱۲۰ کیلومتر بود که از مهم‌ترین خط‌های تجاری و از شریان‌های حیاتی حمل‌ونقل به شمار می‌رود و دو کشور را به‌هم مرتبط می‌سازد.

• به‌عنوان ناظر اجرائی چندین پروژه در کشور عراق حضور داشت.

• پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان به‌عنوان رئیس هیئت ایرانی مشارکت در بازسازی لبنان به این کشور اعزام شد.

• در مدت حضور شش‌ساله‌اش در لبنان رساله‌ی دکتری خود را با عنوان «چگونگی هدایت جنگ ۳۳ روزه توسط حزب‌الله» نوشت.

• چندین طرح اجرایی را به‌منظور حمایت و تأمین رفاه مردم سوریه با همکاری مردم آن کشور به انجام رسانید.

• در ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ و در راه بازگشت از دمشق به بیروت به شهادت رسید.